

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی

دکتر علیرضا محسنی تبریزی^۱، حمید کریمی^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور همدانی می‌پردازد. در این پژوهش عوامل و متغیرهایی نظیر عدم موفقیت تحصیلی، خشونت در خانواده، از هم گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، یادگیری جرائم از طریق رسانه‌ها، دوستان ناباب، داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت جوانان و ولنگاری پدر مجرمین به عنوان عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر خشونت جوانان همدانی تعیین شده‌اند. نوع پژوهش کاربردی و روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری کلیه جوانان بزهکاری است که در سال ۱۳۸۵ در زندان‌های شهرستان همدان زندانی می‌باشند. از بین آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۰۰ انتخاب گردیده که با ۱۰۰ از جوانان غیربزهکار همدانی که با روش خوشه‌گیری تعیین شده‌اند، مقایسه می‌شوند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته که روایی آن مورد تأیید اساتید و صاحب‌نظران بوده و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شد ($\alpha = 0/59$). روش آماری از طریق آزمون T انجام شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل عدم موفقیت تحصیلی، خشونت در خانواده، از هم گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، یادگیری جرائم از طریق رسانه‌ها، داشتن دوستان ناباب، داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت و ولنگاری پدر مجرمین به عنوان عوامل اجتماعی بر خشونت جوانان همدانی تأثیر دارند. به منظور کاهش جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور همدانی پیشنهاد می‌شود پلیس متناسب با هر کدام از عوامل تأثیرگذار بر خشونت راهکارهای مناسب را جهت کاهش جرائم خشونت آمیز بکار ببرد.

واژگان کلیدی: جرائم خشونت‌بار / violent crimes / عوامل اجتماعی جرم / social factors crimes / جوانان و جرم / youth & crim / همدان / Hamadan / زندانیان / Prisoners.

□ استناد: محسنی تبریزی، علیرضا و کریمی، حمید (تابستان ۱۳۸۶). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی» فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره دوم: ۲۴۸ - ۲۶۳.

۱ - دانشیار دانشگاه تهران

۲ - کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

در یک جامعه معین همیشه انبوهی از افراد وجود دارند که به جز در وضعیت‌های استثنایی معمولاً محافظه‌کار و قانون‌مند هستند، فقط اقلیتی دارای شخصیت متمایل به مجرمیت می‌باشند. بین این دو قطب تعداد زیادی از شخصیت‌های کناری وجود دارند که در زبان علمی به مجرم واره‌ها معروفند این عده سپاه ذخیره احتمالی جرم را تشکیل می‌دهند اگر جامعه‌ای انگیزه‌های جرم‌زا را تقویت کند ممکن است گرایش‌های مجرمیت پنهان به مرور فعال گردند و انفجاری از مجرمیت را پدید آورند.

در متون جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی جرایم خشن به جرایمی گفته می‌شود که با زور یا تهدید علیه دیگران همراه است مانند جنایت، تجاوز، غارت‌گری، یورش و غیره که یا به علت محدودیت‌های بیرونی یا در خرده فرهنگ خشونت به وجود آمده منتقل شده و آموخته می‌شود.

تحقیق بنا به اهمیت عوامل اجتماعی بر جرایم خشونت‌آمیز و تأثیرگذاری اقدامات پیشگیرانه پلیس در این بعد، در صدد شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرایم خشونت‌آمیز بوده تا با شناخت دقیق علل و شرایط اجتماعی بوجود آورنده آنها هم از طریق عوامل بازدارنده و هم افزایش آگاهی تمایل به ارتکاب این گونه جرایم را در جامعه و درون گروه‌ها کاهش داده و راههای پیش‌گیری و کاهش جرم را بیابیم.

هر ساله تعداد قابل توجهی از جوانان شهر همدان مرتکب عوامل خشونت‌آمیزی می‌شوند که در زبان علمی می‌توان آن اعمال و کنش‌ها را جرایم خشونت‌آمیز نام نهاد. محسنی تیریزی (۱۳۸۳) در کتاب وندالیسم، در خصوص خشونت می‌نویسد: «خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی می‌توان کنش و عملی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی و روانی به دیگران انجام می‌پذیرد. افزون بر این در تعریف خشونت و به مفهوم بی‌توجهی به پیامدهای عمل به منجر به آسیب دیدگی دیگران یا خود می‌شوند نیز تاکید می‌شود».

ارتکاب به این جرائم افزون بر آن که جوانان را از استمرار زندگی به هنجار باز می‌دارد، جامعه را دچار احساس ناامنی می‌سازد، احساس تهدید نسبت به وجود و حیثیت آدمی احساس ناامنی را القا می‌کند، خشونت علیه سالخورده‌گان، ارتکاب جرم کیف‌قاپی، بچه‌دزدی، گروگان‌گیری، صندوق‌زنی و نزاع و ناسزاگویی (جرایم خشونت‌آمیز) بیشتر موجب احساس ناامنی می‌گردد. اصولاً احساس ناامنی عمومی هنگامی ایجاد می‌شود که در خیابان‌ها خلاء قدرت (مانند نبود پلیس حرفه‌ای) وجود داشته باشد. پرخاشگری همراه با خشونت افراد را خطرزا و بی‌عاطفه می‌گرداند. آنان تحت التهابات درون پرجوش و خروش می‌گردند و به تبع آن مجرمیت در هیئت و هیئت متعددی در زندگی فردی و جامعه‌ای انعکاس می‌یابد. به علاوه این جرایم به شدت مردم را ناراحت، نظم اجتماعی را مخدوش و به سرعت احساس امنیت را در جامعه کاهش می‌دهد. از همین روی باید تدابیری جهت پیش‌گیری موفقیت‌آمیز اندیشید که عوامل مهم پدید آورنده آنها مورد شناسایی قرار گیرد. این تحقیق از میان عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی، روانی، زیستی، اجتماعی و ... هدف این تحقیق شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با این گونه جرائم است؛ به عبارت دیگر، این تحقیق مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت‌آمیز جوانان است.

در جهان بینی الهی، انسان که صاحب تفکر و اندیشه است عالی‌ترین موجود جهان هستی معرفی و به همین جهت عالی‌ترین سرمایه و ثروت نیز محسوب می‌گردد. اندیشمندان بر این باورند که سرمایه انسانی، سرمایه‌ای مولد است و دستیابی به اهداف و ارزش‌ها را اعم از اقتصادی - اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر و تسهیل خواهد کرد و جامعه را با رشد و توسعه و شکوفایی مواجه خواهد نمود. بدیهی است جامعه‌ای می‌تواند از ثروت انسانی بهره‌مند شوند که از یک سو نهادهای مربوطه از جمله خانواده، مدرسه، فرهنگ، تبلیغات و ... با کارآمدی و شایستگی وظایف خود را ایفا کرده و از سوی دیگر از جرم و بزهکاری

که موجب اتلاف و انهدام سرمایه انسانی شده مقابله و پیشگیری نماید. بی‌شک جوانان سرمایه و ذخائر و نقطه اتکای اصلی هر کشور محسوب می‌شوند. زمانی می‌توان به این سرمایه چشم امید داشت که انرژی جسمی و فکری آنان در جهت رشد و تعالی فردی و اجتماعی به کار رود و گرفتار جرم و بزهکاری و به تبع آن گرفتار مجازات نشوند و به تکرار جرم روی نیاورند. پس بهره‌مندی از ظرفیت‌های انسانی منوط به میزان سرمایه‌گذاری برای پرورش انسان‌های سالم، با نشاط کارآمد و توانا است و این در صورتی تحقق خواهد یافت که آسیب‌های اجتماعی کنترل و افراد جامعه در معرض جرم قرار نگیرند (رجبی پور، ۲۸۳۱، ص ۳۲).

در برابر جرائم قدیمی و همه‌جاگیر دو نوع مجرمیت دیگر وجود دارد؛ یکی تجاوز توأم با خشونت و دیگری اعمالی که به وسیله قانون منع شده‌اند. این نوع جرائم در حال افزایش هستند. اگر فزونی روز افزون کسانی را که بر اثر ناراحتی‌های زندگی و فشارهای ساختاری مرتکب قتل، خودکشی، نزاع و ... می‌شوند را در نظر آوریم، می‌بینیم که هنر اعتدال و خویشتن‌داری و میانه‌روی که نشانه جامعه نیکبخت است، از میان رفته و اگر برای این گسیختگی اجتماعی فکری نیندیشیم و تدبیری به کار نیندیم بیم آن می‌رود که شمار تبهکاران باز هم افزایش یافته و جامعه را به نابسامانی کشاند (شیخوندی، ۴۸۳۱، ص ۲۱۱).

اندیشیدن تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع بالاخص جرایم خشن که هم موجب کاهش سریع احساس امنیت در جامعه شده و هم قربانیانی به جامعه تحمیل می‌نماید، مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر وقوع و گرایش جوانان به جرائم خشونت‌آمیز بوده و در صورت عدم شناسایی و بی‌توجهی به این عوامل قادر به تدوین راهکار مناسب جهت پیش‌گیری نبوده لذا در این تحقیق برآنیم تا عوامل اجتماعی مرتبط بر وقوع جرائم خشونت‌آمیز را شناسایی و راهکارهای انتظامی پیش‌گیری از جرائم خشونت‌آمیز را معرفی کنیم.

مبانی نظری پژوهش: در مکاتب جامعه‌شناسی، ساختارها، سازمان‌ها، و نهادهای اجتماعی و فرهنگی به مثابه واقعیت‌های اجتماعی علت رفتار آدمی به حساب آمده‌اند و رفتارهای بزهکارانه را معلول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. در مکاتب روانشناسی به ویژه روانکاوان رفتارهای بزهکارانه را معلول کارکرد نیروهای سرکش درونی پنداشته‌اند در مقابل گروهی از صاحب‌نظران، فرد و جامعه را توأم و در کنش‌های متقابل در جریانات رفتاری دخیل می‌دانند و به فراگرد متقابل و تعامل میان عامل رفتار و وضعیت رفتار در مسیر عمل آدمی معتقدند و بر این اصل اصرار می‌ورزند که انسان در عین حال که سازنده جامعه و واقعیت اجتماعی است زیر نفوذ تولیدات خود نیز قرار دارد و به قول ایان تایلور رابطه‌ای که میان انسان و جامعه است یک رابطه دیالکتیک است و این را در تمام مراحل کز رفتاری می‌باید در نظر آورد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۴۵ - ۶۴).

الف- نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات و خشونت: جامعه‌شناسان از مفهوم انحرافات عوامل اجتماعی دخیل در آن در چند زمینه نظرات آنان در باب بی‌هنجاری عام و مشترک است.

- ۱- اهالی حوزه‌های جامعه‌شناسی، ریشه‌های انحراف و علل آن را نه درون فرد بلکه در بیرون از او در واقعیت‌های اجتماعی، نهادها، ساختارها و روابط اجتماعی و نظایر آن جستجو می‌کنند.
- ۲- نقطه عزیمت آنها از جامعه و ساخت اجتماعی است.
- ۳- افعال و کنش‌های فرد را در قبال جامعه می‌سنجند.
- ۴- واحد تحلیل آنها جمع است نه فرد.
- ۵- جرم و بزهکاری را امری تحمیلی و ناخواسته به شمار می‌آورند که از سوی نظام اجتماعی بر فرد تحمیل گردیده است. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

نظریه انومی دورکهایم: دورکهایم، انومی را نوعی بی‌سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی،

بی‌هنجاری در نظام جمعی می‌داند. او بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضاء خود متصور شده است به کار می‌برد. به نظر او، روان و رفتار آدمی عمدتاً به وسیله ذهن گروهی کنترل و هدایت می‌شود. به عقیده دور که‌هایم حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این ضوابط است که شخص می‌تواند تمایلات، خواهش‌ها، و خواسته‌های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی (آنومی) شوند و وضع نابسامانی پیش آید، فرد دیگر قادر نیست رابطه منطقی بین خود و جامعه برقرار و در متابعت از قوانین هدف‌ها و رفتار خود را تنظیم کند، در چنین شرایطی است که فرد ضوابطی برای رفتار خود ندارد و در حالت نابسامانی به سر می‌برد. این نابسامانی در رفتار و کنش او متجلی و منعکس است و احتمال اینکه فرد در چنین شرایطی دست به رفتاری بزند که از نظر اجتماعی هنجارشکنی انحراف شناخته شود زیاد است. بنابراین، براساس این نظریه عدم وفاق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و یا همبستگی اجتماعی عامل بروز انحراف است. در واقع انحراف پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هرچه میزان بی‌هنجاری و عدم وفاق در مورد هنجارها بیشتر شود انحراف و کج‌روی نیز افزایش می‌یابد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۵۵-۵۴).

دور که‌هایم مفهوم آنومی و بی‌هنجاری را در دو سطح فردی و اجتماعی به کار برده است. آنومی در سطح فردی نوعی نابسامانی فردی است که منجر به گسستگی و شکستگی انسان و معیار رفتار وی می‌شود و فرد نوعی احساس پوچی، بی‌هنجاری و بی‌قراری را تجربه می‌کند. آنومی در سطح اجتماعی نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش، بی‌هنجاری در نظام جمعی است. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای مقرر و همچنین فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است در چنین حالتی رفتار نابهنجار و انحراف‌آمیز ظهور می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

نظریه آنومی و انحراف مرتن: مرتن، آنومی یا بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر افراد وارد می‌آید. در واقع این نظریه انحراف را به عنوان نتیجه فشارهای ساختاری می‌داند، که مردم را تحت فشار قرار می‌دهد، تبیین می‌کند. مرتن بر این باور است که انحراف برای این پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهد. در نتیجه برخی افراد یا باید هدف‌های خاصی را برای خود برگزینند یا برای رسیدن به هدف‌هایی که فرهنگ به جامعه شان تجویز کرده باید وسایل نامشروعی را به کار برند.

از دیدگاه مرتن نه تنها خودکشی بلکه انواع رفتارهای انحرافی حاصل شرایط بی‌هنجاری جامعه است. او می‌گوید که فرد در نتیجه اجتماعی شدن هدف‌های مهم فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این هدف‌ها را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشد فرا می‌گیرد. هرگاه راه‌های مقبول دستیابی به این هدف‌ها برای فرد فراهم نباشد و او ناچار شود راه‌های دیگر در پیش گیرد ممکن است رفتاری از فرد سرزند که به انحراف اجتماعی منجر گردد. چهار نوع رفتار انحرافی که ممکن است در این فرایند پدید آید عبارتند از: ۱- نوآوری، ۲- مراسم‌گرایی، ۳- کناره‌گیری و ۴- طغیان و سرکشی (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹-۱۳۲).

ویلیام گود و نظریه آنومی و ساختار خانواده: ویلیام گود، با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین مؤسسه اجتماعی کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌روی دخیل می‌داند. به نظر گود، هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتواند وظایف و نقش خود را به طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند،

گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید. شدت گسیختگی را در هم از پاشیدگی و تلاشی خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد. گسیختگی خانواده می‌تواند معلول عوامل زیر باشد:

الف. فقدان پدر که در اثر مرگ و میر، طلاق، یا اشتغال بیش از حد پیش می‌آید و در این حالت وظایف پدر بر دوش مادر افکنده می‌شود یا شخص دیگری در غیاب پدر این نقش را به عهده می‌گیرد.

ب. فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق که در این شرایط اجرای نقش‌های مادرانه دچار اختلال می‌گردد.

ج. وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی‌رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر اما از کارکردهای کنشی متقابل ضعیفی برخوردار بودن و نسبت به یکدیگر از همدلی و هم‌حسی برخوردار نیستند.

به نظر گود، خانواده نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضاء خود ایفا می‌کند. به علاوه، نهاد خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌کند همچنین خانواده نقش عمده‌ای را در یادگیری، تربیت و آموزش اعضاء بر عهده دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۶۷-۷۰).

گود، گرچه به طور اخص به رفتار خشونت‌آمیز و وندالیسم نمی‌پردازد، مع الوصف می‌توان آن را چون بسیاری از صور گذر رفتاری‌ها و نابهنجاری‌ها به اختلال در کارکردها و وظایف نهاد خانواده و گسیختگی در مناسبات و روابط فامیلی و بروز شرایط آنومیک ربط داد.

دوروتی لاونولت و نظریه فضای عاطفی خانواده: لاونولت در خصوص نقش رفتارهای آسیب‌زای خانواده در شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار متذکر می‌شود که تجربیات اولیه زندگی در تعیین چگونگی رفتار مؤثر بوده و خانواده اولین گروه و نهادی است که زمینه و شرایط چنین تجربیاتی را فراهم می‌نماید. در نظریه لاونولت خشونت نظیر همه رفتارهای نابهنجار از عوامل رفتاری آسیب‌زای خانواده سرچشمه می‌گیرند؛ خصوصاً اگر کودک در محیط خانوادگی توأم با خشونت زندگی کند یاد می‌گیرد ستیزه‌جویی کند. از این منظر، خصومت، ستیزه‌جویی، خشونت، تخریب و ویران‌گری از محیط خانواده آموخته می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۵-۷۷).

نظریه انتقال فرهنگی: ادوین ساترلند (۱۹۳۹) بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبهکاران آموخته می‌شود. او می‌گوید برای آنکه شخص جنایتکار شود باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد. کراسی (۱۹۴۳) نیز مانند ساترلند بر این باور است که بسیاری از رفتارهای جنائی از طریق معاشرت با کسان و والدین قابل پذیرش و پاداش‌دهنده که در محیط جسمانی و اجتماعی فرد هستند آموخته می‌شود. او چهار گام زیر را برای این فرایند نشان می‌دهد:

۱. رفتار انحرافی مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل اجتماعی با دیگران به ویژه دوستان ناباب آموخته می‌شود.
۲. یادگیری رفتار انحرافی هم مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب به جرم و هم انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی‌های لازم برای آن است.
۳. معاشرت با دوستان ناباب می‌تواند از جنبه‌های خاصی مانند فراوانی، اولویت، دوام (طول زمان) و شدت تماس در فرایند یادگیری رفتار انحرافی مؤثر باشد. هرچه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های تبهکار بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد احتمال کژرفتاری بیشتر می‌شود.
۴. فرد به این دلیل بزهکار می‌شود که در تعریف‌هایی که سرپیچی از قانون را مطلوب می‌داند بر تعریف‌هایی که سرپیچی از قانون را ناپسند می‌داند غلبه دارد (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹).

خلاصه این که در نظر ساترلند جرائم خشونت‌آمیز نیز مانند سایر صور بزهکاری حاصل یادگیری رفتار مجرمانه در کنش‌های متناوب با اشخاص و در گروه‌های صمیمی و شخصی است.

نظریه کوهن و ناکامی منزلتی: کوهن معتقد است پسران طبقه پایین کارگر آرمان‌های موفقیت فرهنگی کلی جامعه را با خود دارند؛ اما عمدتاً به علت شکست تحصیلی و در نتیجه بدست آمدن مشاغل بدون ارتقاء، که ناشی از آن است، فرصت ناچیزی برای دستیابی به اهداف خود می‌یابند. این عدم دستیابی به اهداف با در نظر گرفتن واقعیات آنها در ساختار اجتماعی قابل تبیین است. کوهن از این نظر که محرومیت فرهنگی دلیل موجهی برای کمبود موفقیت تحصیلی اعضای طبقه پایین کارگری است جانب داری می‌کند. بسیاری از پسران طبقه پایین کارگری به دلیل اینکه راه‌های موفقیت برای آنها مسدود است، از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند. آنها از پایین بودن پایگاه طبقه خود در جامعه دچار حرمان و نارضایتی می‌شوند و با نپذیرفتن آرمان‌های کل جامعه این محرومیت را جبران می‌کند. آنها آرمان موفقیت متداول در کل جامعه را با هنجارها و ارزش‌های دیگری که بتواند از طریق آنها موفقیت و وجهه کسب کند جایگزین می‌سازد. نتیجه این عمل به یک فرهنگ فردی انحرافی منتهی می‌شود. فرهنگ فرعی انحرافی هنجارهای خود را از فرهنگ کلی دریافت می‌کند، اما آنها را برخلاف جهت تغییر می‌دهد. کوهن موفقیت فرهنگ فرعی بزهکاری را این گونه توصیف می‌کند: « این فرهنگ کلا چهره‌ای زشت دارد، از ناراحت کردن دیگران لذت می‌برد و حظ خود را در بی‌اعتنایی و مشغول نمودن به کارهای زشت و حرام می‌جوید.» (امین صارمی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳).

طبق نظریه کوهن، خشونت همچون خشونت دیگر صور رفتارهای نژد معمول فرهنگ فرعی بزهکاری است که بر ضد فرهنگ جامعه عمل می‌کند. بنابراین، اعمالی نظیر ویران‌گری، خشونت، تخریب اموال، سرقت و ... که از سوی فرهنگ رسمی محکوم است برای فرهنگ بزهکار با ارزش و والا جلوه می‌کند.

نظریه برجسب زنی: نظریه برجسب زنی با رویکردی تقریباً تضادی به مسائل آسیب‌شناسی و انحرافات می‌نگرد. این نظریه مانند نظریه تضاد در جستجوی علل انحرافات نیست اما پرسش‌هایی از این قبیل را مطرح می‌سازد. چه کسانی برجسب انحراف را به چه کسانی می‌زند. پیامدهای برجسب زنی برای برجسب‌زنان چیست. در این دیدگاه، بیشتر از آنکه به قانون شکنان توجه شود به قانونگذاران نظر می‌شود. طرفداران این رویکرد به چرایی رفتار مجرمانه از سوی مجرم کاری ندارند، بلکه چگونگی نام نهادن جرم بر یک رفتار را بررسی می‌کنند. آنها بیشتر بر دو عامل اثر برجسب بر رفتار و پیامدهای اجتماعی انحراف تمرکز دارند. اگر نظریه برجسب فقط با این مسئله که چه کسی برجسب می‌شوند سرکار داشت، در آن صورت به نظریه تضاد بسیار نزدیک بود، اما این نظریه به مسئله مهمتری یعنی پیامدهای برجسب برای برجسب‌زندگان نیز می‌پردازد (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳).

از طرفداران برجسته این دیدگاه می‌توان هوارد، بکر و ادوین لمرت را ذکر کرد. در این دیدگاه، انحراف کیفیت عملی که اشخاص مرتکب آن می‌شوند نیست، بلکه آن نتیجه عملی است که دیگران و قوانین وی را متخلف می‌نامند. با این وصف رفتار انحرافی، رفتاری است که دیگران به آن برجسب انحراف می‌زنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵).

ب) نظریه‌های روانشناسی انحرافات و خشونت: بسیاری از روانشناسان پدیده‌ی انحرافات را ناشی از عدم رشد کامل شخصیت فرد می‌دانند. به بیان دیگر، به زعم بعضی از روانشناسان، برخی از تیپ‌های شخصیتی تمایل بیشتری به انجام کنش کجروانه از خودشان می‌دهند. در این مشرب، کجروی و انحراف به عنوان یک نوع اختلال رفتاری تلقی شده و ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی بوده و چنین شخصی آدمی غیرعادی محسوب می‌شود. برخی از روانشناسان تلاش کرده‌اند تا پدیده‌ی بزهکاری

را در یک غالب تحلیل نمایند. به زعم آنان مخرج مشترک روانی جرم‌زایی، احساس ناامنی است که در تمایل بزهکاران وجود دارد. فرآیند انجام کنش بزهکارانه به صورت زیر مشخص می‌گردد: «ناامنی ایجاد دلهره می‌نماید، دلهره ایجاد ستیزه‌گری و ستیزه‌گری گنهکاری را به وجود می‌آورد و احساس گنهکاری باز منتهی به دلهره می‌شود.» (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۱۲۲-۱۲۳).

نظریه‌ی یادگیری اجتماعی: باندورا از جمله کسانی است که نظریه‌ی یادگیری را در روانشناسی مطرح نموده است. این نظریه روی چند اصل تأکید دارد که نقش مهمی در بروز رفتارهای خاص دارد: ۱- اصل تقلید و ۲- اصل منع مؤثر. تقلید به وسیله مشاهده فرد از حوادثی که در حیطه او اتفاق می‌افتد صورت می‌گیرد و غالباً هم به صورت گوناگون تقویت می‌گردد. منع مؤثر نقطه مقابل تقلید می‌باشد؛ بدین معنی که کودک مشاهده می‌کند که شخص به خاطر مشاهده عمل خلاف مورد تنبیه واقع شده است. لذا می‌باید که نباید در شرایط مشاهده شده از خود رفتاری خلاف نشان دهد؛ زیرا احتمال اینکه مورد تنبیه قرار گیرد وجود دارد. عکس این مورد نیز ممکن است به صورت «تقویت جانشینی» مطرح شود و این حالت شامل مواردی است که فرد به طور مستقیم به خاطر رفتار خلاف تشویق نمی‌شود، بلکه مشاهده می‌کند که فرد دیگر به خاطر انجام عمل کجروانه مورد تشویق واقع می‌گردد. لذا این امر موجب می‌شود که احتمال بروز رفتارهای نامناسب و خلاف در فرد افزایش یابد.

بنابراین بر اساس این نظریه، کسی کجرو و بزهکار به دنیا نمی‌آید؛ بلکه چنین رفتاری توسط عوامل اجتماعی و محیطی در فرد ظاهر می‌شود و لذا پاسخ‌هایی که فرد از طریق تجربه فرامی‌گیرد و یا توسط افراد دیگری تقویت یا منع می‌شود در شکل‌گیری رفتار بزهکارانه مؤثر و قطعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸-۱۳۹).

ج) نظریه‌های روانشناسی اجتماعی: روانشناسی اجتماعی در تبیین خود از کژرفتاری و خشونت به فراگرد متقابل میان عامل رفتار و وضعیت رفتار در مسیر عمل آدمی معتقدند. از این رو قالب نظریه‌های روانشناسی اجتماعی بزهکاری آن را معلول کنش متقابل میان فرد و زمینه اجتماعی یا میان عامل رفتار و وضعیت رفتار به شمار می‌آورد و کژرفتاری را به عنوان یک فراگرد واحد در نظر گرفته‌اند. بدین ترتیب رفتارهای ناهنجار چون خشونت، از یک سلسله برخوردهای خاص میان عامل رفتار و وضعیت‌ها به وجود می‌آید. از این رو، می‌توان به این گفته ایان تایلور استناد کرد که از نظرگاه روان‌شناسی اجتماعی ماهیت و سرشت فراگرد کژرفتاری به عنوان یک مجموعه‌ی به هم بسته نیازمند بررسی عوامل اجتماعی و روانی توأماً و در ارتباط با یکدیگر است و به اعتبار این اصل روانشناسی اجتماعی که انسان هم‌سازنده جامعه است و هم زیر نفوذ و تحت تأثیر فراورده‌های خود می‌باشد، یک فراگرد دیالکتیک را بین انسان و جامعه به وجود می‌آورد که می‌باید در تمام مراحل کژرفتاری در نظر آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۴۱).

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش: تعاریف به کار رفته در این پژوهش عبارتند از:

نحوه گذراندن اوقات فراغت: نحوه صحیح گذراندن اوقات فراغت از قبیل مطالعه، ورزش، تماشای تلویزیون، رفت و آمد با فامیل و خانواده و نحوه درست گذراندن اوقات فراغت از قبیل: بیکاری، خواب، گردش و تفریح، مصرف سیگار و بطالت می‌باشد.

عدم موفقیت تحصیلی: میزان رضایت فرد از وضعیت درسی، نمراتی که فرد در طی تحصیل اخذ نموده، سابقه مردودی، میزان رقابت با شاگردان ملاک سنجش عدم موفقیت تحصیلی قرار گرفته است.

دوستان ناباب (گروه همال کجرو): منظور دوستانی است که مبادرت به اعمال خلاف قانون، خرید و فروش یا مصرف مواد مخدر، رابطه نامشروع با جنس مخالف، تماشای فیلم‌های مستهجن، فرار از منزل، شرارت و درگیری، سابقه زندان و خشونت به قصد لذت بردن می‌نمایند.

خشونت خانوادگی: منظور دعوای پدر و مادر به یکدیگر، کتک کاری پدر و مادر با یکدیگر، فحاشی بین والدین، شکستن شیشه و لوازم منزل و غیره توسط پدر و مادر، استفاده والدین از الفاظ رکیک علیه یکدیگر، پرتاب اشیاء و لوازم خانه به سمت هم توسط والدین، بگو و مگوهای دائمی پدر و مادر با یکدیگر و سایر اعضاء خانواده می‌باشد.

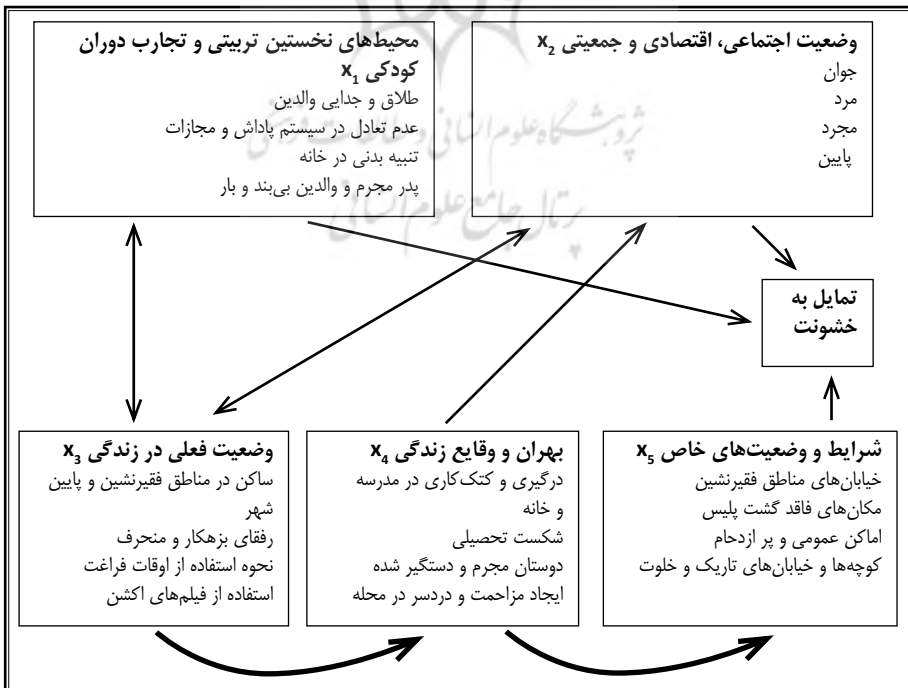
از هم گسیختگی خانوادگی: منظور طلاق بین والدین، قهر طولانی والدین با یکدیگر، ترک خانواده توسط والدین، تنفر والدین از یکدیگر، پشیمانی والدین از ازدواج با هم، ازدواج مجدد پدر، ازدواج مجدد مادر، سخت‌گیری والدین نسبت به فرزندان، بی‌تفاوتی نسبت به فرزندان و عدم احساس مسئولیت نسبت به فرزندان می‌باشد.

بزهکاری والدین: منظور اعتیاد پدر، اعتیاد مادر، سابقه زندان پدر، سابقه زندان مادر، سابقه کتک کاری والدین با یکدیگر، فحاشی و بددهنی پدر، سابقه دزدی و دست‌کچی والدین، و سابقه استفاده از مشروبات الکلی والدین می‌باشد.

ولنگاری پدر: منظور بی‌خیالی پدر نسبت به خانواده، خروج بی‌موقع و بی‌خبر پدر از منزل، رفیق‌بازی پدر، عیاشی و خوش‌گذرانی پدر، داشتن رابطه نامشروع پدر با دیگران و ندادن خرجی به خانواده می‌باشد.

مدل نظری تحقیق: الگوی تحقیق، یک الگوی تلفیقی است که در پرتو نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات و خشونت از قبیل نظریه‌ی انتقال فرهنگی ادوین ساترلند و کراسی و نظریه‌ی کوهن و ناکامی منزلتی و نظریه‌ی گود و غیره و نظریه‌های روانشناسی از جمله نظریه‌ی یادگیری اجتماعی باندورا و نظریه‌های روانشناسی اجتماعی از جمله نظریه‌ی ریچارد فلکس و فروم و ... ترسیم گردیده است. الگو مذکور در قالب ۵ گروه و ۲۰ متغیر می‌باشد (نمودار ۱).

نمودار ۱. الگوی نظر پژوهشی عوامل اجتماعی در زیر جرایم خشونت‌آمیز جوانان



فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند:

- ۱- بین میزان عدم موفقیت تحصیلی جوانان بزهکار و جوانان غیربزهکار تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین میزان خشونت در خانواده جوانان بزهکار و جوانان غیربزهکار تفاوت وجود دارد.
- ۳- میزان از هم گسیختگی خانوای مجرمین در مقایسه با جوانان غیربزهکار متفاوت است.
- ۴- میزان بزهکاری والدین (دارای سابقه مجرمیت - مصرف الکل - اعتیاد) افراد مجرم و غیرمجرم متفاوت است.
- ۵- میزان یادگیری جرائم خشن از طریق رسانه‌ها در بین جوانان که مرتکب جرائم خشونت‌آمیز شده‌اند با سایر جوانان متفاوت است.
- ۶- بین داشتن دوستان ناباب (گروه همال کجرو) جوانان بزهکار و جوانان غیربزهکار تفاوت وجود دارد.
- ۷- بنی داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت جوانان مجرم و غیرمجرم تفاوت وجود دارد.
- ۸- بین ولنگاری پدر مجرمین جوان همدانی با جوانان غیرمجرم تفاوت وجود دارد.

مواد و روش‌ها

نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. پژوهش در سال ۱۳۸۵ در شهرستان همدان انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه خودساخته که روایی صوری و محتوایی آن توسط اساتید و متخصصین و کارشناسان علم روانشناسی و جرم‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته و همچنین پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده بود ($\alpha = 0/95$). جامعه آماری جوانان بزهکار و غیربزهکار ۱۸-۲۵ ساله همدانی که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین آنها ۱۰۰ نفر از جوانان بزهکار و ۱۰۰ نفر از جوانان غیربزهکار انتخاب گردیده گردآوری شده است. داده‌های پژوهش از طریق آزمون T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

داشتن دوستان ناباب بیشترین تفاوت را بین جوانان بزهکار و غیربزهکار را نشان می‌دهد ($T=17/1$) و نشان دهنده این می‌باشد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود و کسانی که مرتکب قانون‌شکنی می‌شوند، ارتباط بیشتری با قانون‌شکنان دارند. بعد از داشتن دوستان ناباب، از هم گسیختگی خانوادگی بیشترین تفاوت را بین جوانان بزهکار و غیربزهکار نشان می‌دهد ($T=11/49$) و این نشان‌دهنده این است هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در نهاد خانواده در بروز، توسعه و تکوین شخصیت بزهکار تأثیرگذار می‌باشد. متغیر خشونت در خانواده جوانان بزهکار و غیربزهکار سومین عاملی است که بر رفتارهای خشونت‌آمیز جوانان تأثیر دارد ($T=10/93$) و این حاکی از آن است که خشونت در محیط خانواده آموخته می‌شود. عوامل دیگر یعنی ولنگاری پدران ($T=10/62$)، عدم موفقیت تحصیلی ($T=10/57$)، داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت ($T=9/51$)، بزهکاری والدین ($T=9/3$) و میزان یادگیری جرائم خشن از طریق رسانه‌ها ($T=8/5$) به ترتیب بیشترین تفاوت را در بین جوانان بزهکار و غیربزهکار را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین میزان عدم موفقیت تحصیلی جوانان بزهکار و جوانان غیر بزهکار تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t استفاده شده و تفاوت میزان عدم موفقیت تحصیلی بین افراد مجرم و غیرمجرم مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱. نتیجه آزمون t فرضیه اول

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱۰/۵۷	۰/۰۱	۱۹۸	۳/۳۳	۷/۰۸	۱۰۰	غیر مجرم
			۴/۳	۱۲/۸	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول ۱ از آنجایی که مقدار t به دست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($p=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/01$) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (5%) بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان عدم موفقیت تحصیلی افراد مجرم و غیرمجرم است. بنابراین فرضیه ۱ تأیید می‌شود. این یافته با استفاده از نظریه آلبرت کوهن قابل تبیین است. او بر این باور بود که در نتیجه شکست تحصیلی راه‌های موفقیت و کسب منزلت اجتماعی مسدود می‌گردد. این افراد از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند، آنها از پایین بودن پایگاه خود در جامعه دچار حرمان و ناراضی می‌شوند و با نپذیرفتن آرمان‌های کل جامعه این محرومیت را جبران می‌کنند. کوهن می‌گوید: «این فرهنگ بزهکاری کلا چهره‌ای زشت دارد، از ناراحت کردن دیگران لذت می‌برد و خط خود را در بی‌اعتنایی، مشغول نمودن به کارهای زشت و حرام می‌جوید» (امین صارمی، ۱۳۷۹، ۱۱۳).

فرضیه دوم: بین میزان خشونت در خانواده بزهکار و جوانان غیربزهکار تفاوت وجود دارد.

نتیجه حاصله از سنجش تفاوت میزان خشونت در خانواده افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲. نتیجه آزمون t فرضیه دوم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱۰/۹۳	۰/۰۱	۱۹۸	۵/۳۳	۴/۸۴	۱۰۰	غیر مجرم
			۸/۷	۱۶	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول ۲، از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($p=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/01$) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (5%) بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان خشونت در خانواده افراد مجرم و غیرمجرم است. پس فرضیه مذکور تأیید می‌گردد. این یافته با استفاده از نظریه لاونولت قابل تبیین است. در این نظریه، خشونت، نظیر همه رفتارهای ناهنجار از عوامل رفتاری آسیب‌زای خانواده سرچشمه می‌گیرد؛ خصوصاً اگر فرد در محیط خانوادگی توأم با خشونت زندگی کند یاد می‌گیرد سبزه‌جویی کند. از این منظر خشونت در محیط خانواده آموخته می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

فرضیه سوم: میزان از هم گسیختگی خانوادگی (جدایی و طلاق و ...) مجرمین در مقایسه با جوانان غیرمجرم متفاوت است.

نتیجه حاصله از سنجش تفاوت میزان از هم گسیختگی خانوادگی افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل در جدول ۳ درج شده است.

جدول ۳. نتیجه آزمون t فرضیه سوم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱۱/۴۹	۰/۰۱	۱۹۸	۱/۲۴	۹۶٪	۱۰۰	غیر مجرم
			۲/۴	۴/۰۲	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول ۳ از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($p=۰/۰۵$ و $t=۱/۹۶$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($۰/۰۱$) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی ۵% بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان از هم گسیختگی خانوادگی افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه سوم تأیید می‌گردد. این یافته با استفاده از نظریه ویلیام گود قابل تبیین است و گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده ساختار خانواده سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند» (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۶۸).

فرضیه چهارم: میزان بزهکاری والدین (دارای سابقه مجرمیت، اعتیاد، مصرف مشروبات و ...) افراد مجرم و غیرمجرم متفاوت است.

نتیجه حاصله از سنجش تفاوت میزان بزهکاری والدین افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون t فرضیه چهارم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۹/۳	۰/۰۱	۱۹۸	۱/۲	۰/۸۲	۱۰۰	غیر مجرم
			۱/۵۲	۲/۶۳	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول ۴ از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($p=۰/۰۵$ و $t=۱/۹۶$) بیشتر می‌باشد و مقدار t در سطح اطمینان ($۰/۰۱$) بدست آمده است و از حداکثر میزان خطا یعنی ۵% بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان بزهکاری والدین افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد. این یافته با استفاده از نظریه انتقال فرهنگی، کراسی ۱۹۴۳ قابل تبیین است. او بر این باور بود که بسیاری از رفتارهای جنائی از طریق معاشرت با کسان و والدین قابل پذیرش و پاداش‌دهنده که در محیط جسمانی و اجتماعی فرد هستند آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹).

فرضیه پنجم: میزان یادگیری جرائم خشن از طریق رسانه‌ها در بین جوانان که مرتکب جرائم خشونت‌آمیز شده‌اند با سایر جوانان متفاوت است.

در جدول ۵ تفاوت میزان یادگیری از طریق رسانه‌ها بین افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۵. نتیجه آزمون t فرضیه پنجم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۸/۵	۰/۰۱	۱۹۸	۵/۳	۷	۱۰۰	غیر مجرم
			۵/۱	۱۳/۲	۱۰۰	مجرم

از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($t=۱/۹۶$ و $p=۰/۰۵$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان (۰/۰۱) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا (یعنی ۵٪) بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان یادگیری از طریق رسانه‌ها افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

این یافته با استفاده از نظریه‌ی یادگیری اجتماعی باندورا با تأکید بر اصل تقلید قابل تبیین می‌باشد و تقلید به وسیله مشاهده فرد از حوادثی که در حیطه او اتفاق می‌افتد صورت می‌گیرد. همچنین به زعم شیخاوندی (۱۳۸۴، ص ۴۰۰-۴۰۱) نقش فیلم‌ها در بزهکاری، جرم و جنایت از این امر ناشی می‌شود که آنها صحنه‌های پرخاشگرانه مانند تندخویی، آدمکشی و ... را با تمام فنون رنگی و تصویری و صوتی به طور فشرده نمایش می‌دهند، فیلم‌های جنایی زمینه را برای تجسم بصری و عینی فنون و شیوه‌های جنایت را فراهم می‌آورند. فیلم‌ها خود آفریننده‌ی جرم و جنایت نیستند بلکه کسانی را که زمینه ارتکاب جرم و جنایت را دارند به مثابه موج موافق گرایش آنان را تشدید کرده و خواسته‌های خفته را بیدار می‌کنند.

فرضیه ششم: بین داشتن دوستان ناباب (گروه همال کجرو) در جوانان بزهکار و غیربزهکار تفاوت وجود دارد.

در جدول ۶ تفاوت میزان داشتن دوستان ناباب بین افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۶. نتیجه آزمون t فرضیه ششم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱۷/۱	۰/۰۱	۱۹۸	۸/۴	۱۱/۲۲	۱۰۰	غیر مجرم
			۱۰/۶	۳۴/۳۶	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول - از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبول در سطح اطمینان ($t=۱/۹۶$ و $p=۰/۰۵$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان (۰/۰۱) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (۵٪) بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان داشتن دوستان ناباب افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

این یافته با استفاده از نظریه انتقال فرهنگی ادوین ساترلند قابل تبیین می‌باشد. او بر این باور بود که رفتار انحرافی از طریق معاصرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم همانند تبهکاران آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). و معتقد بود مردمی که مرتکب قانون‌شکنی

می‌شوند مطمئناً نسبت به کسانی که مرتکب قانون شکنی نمی‌شوند ارتباط بیشتری با قانون شکنان دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲).

فرضیه هفتم: بین داشتن و نحوه گذراندن اوقات فراغت جوانان مجرم و غیرمجرم تفاوت وجود دارد.

در جدول ۷ تفاوت میزان نحوه گذران اوقات فراغت بین افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۷. نتیجه آزمون t فرضیه هفتم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۹/۵۱	۰/۰۱	۱۹۸	۴/۵	۱۹/۳	۱۰۰	غیر مجرم
			۵/۴	۲۶	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول ۷ از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبولی در سطح اطمینان ($p=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/01$) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (۵٪) بزرگ‌تر است. بنابراین، نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان داشتن و نحوه گذران اوقات فراغت افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد. در تبیین این یافته می‌توان از دیدگاه ستوده (ص ۱۶۵ - ۱۶۶) استفاده کرد. او بر این باور است که وقتی افراد جامعه به ویژه جوانان فرصت‌های اضافی داشته باشند و این فرصت‌ها از مجرای درست و صحیح نتوانند مورد استفاده قرار گیرند، طبعاً روش‌های غیراصولی و ضداجتماعی کشیده می‌شوند. موارد بسیاری از تبهکاری‌هایی که از روی بی‌حوصلگی یا برای تنوع و سرگرمی صورت می‌گیرد نمونه‌هایی از این شیوه است.

فرضیه هشتم: بین ولنگاری پدر افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت وجود دارد.

در جدول ۸ تفاوت میزان ولنگاری پدر بین افراد مجرم و غیرمجرم با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۸. نتیجه آزمون t فرضیه هشتم

مقدار t	سطح اطمینان	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱۰/۶۲	۰/۰۱	۱۹۸	۵۸	۳۲	۱۰۰	غیر مجرم
			۲/۵۳	۳/۱	۱۰۰	مجرم

با توجه به اطلاعات جدول از آنجایی که مقدار t بدست آمده از حداقل نمره قابل قبولی در سطح اطمینان ($p=0/05$ و $t=1/96$) بیشتر می‌باشد و مقدار t مربوطه در سطح اطمینان ($0/01$) بدست آمده است که از حداکثر میزان خطا یعنی (۵٪) بزرگ‌تر است. بنابراین نشانگر وجود تفاوت معنادار و منطقی در میزان ولنگاری پدر افراد مجرم و غیرمجرم است؛ لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

در تبیین این یافته می‌توان از دیدگاه‌هارلوک استفاده کرد. او بر این اعتقاد بود خانواده از دو طریق بر رفتار اعضاء خود تأثیر می‌گذارد:

- ۱- تأثیرات مستقیم که از طریق روش‌های تربیتی که والدین برمی‌گزینند و نیز از طریق خصوصیات رفتاری و چگونگی برخورد با مسایل روزمره زندگی و نظایر آن به وجود می‌آید.
- ۲- تأثیرات غیرمستقیم که از طریق همانندسازی و تقلید رفتارهای والدین و دیگر اعضاء خانواده به وسیله فرزند صورت می‌گیرد، وی همه صور رفتارهای نژند و ناهنجار را به شرایط آنومیک در محیط خانواده و اختلال در کارکرد نظام خانواده ربط می‌دهد. از این رو، خشونت نیز معلول عدم یادگیری بهنجار و تربیت نرمال در محیط‌های آموزشی و تربیتی و نیز اجتماعی شدن ناموفق و ناکافی در محیط خانواده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۷۲-۷۵).

پیشنهاده‌ها:

الف: پیشنهاد به نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌های مربوطه و پلیس:

- ۱- برنامه‌ریزی مناسب برای اوقات فراغت جوانان؛
- ۲- برخورد مناسب و قاطع با والدینی که نسبت به اعضای خانواده مرتکب خشونت رفتاری می‌گردند؛
- ۳- جذاب نمودن فضای مدارس اعم از ساخت و تجهیز مدارس با امکانات ورزشی و فضای چشم‌نواز و جذب معلمین مستعد و خوش‌رفتار؛
- ۴- از آنجایی که در عصر کنونی تبلیغات رسانه‌ای در فرهنگ‌سازی و ایجاد باورهای صحیح در عموم مردم نقش انکارناپذیری دارند، معاونت‌های ناجا (مبارزه با موادمخدر، پیشگیری و اجتماعی) با هماهنگی ارباب جراید و رسانه‌های ملی به ویژه سیمای جمهوری اسلامی نسبت به عواقب و اثرات خشونت در خانواده، از هم گسیختگی، ولنگاری پدر، مصرف مشروبات و موادمخدر و دیگر انحرافات اجتماعی آموزش‌های مستمر به خانواده‌ها داده شود.
- ۵- پلیس با شناسایی گروه‌های همال کجرو و باندهای مجرمین و پاتوق (محل تماس) آنها و شناسایی رئیس این باندها و تشکیل پرونده برای هر کدام از اعضاء و ثبت کلیه جرائم در پرونده و معرفی آنها به جایگاه قضایی و سایر شگردهای انتظامی این گروه‌ها را متفرق و اجازه شکل‌گیری به این گروه‌ها ندهد.
- ۶- رسانه‌های جمعی خصوصاً تلویزیون که نقش آموزش و پرورش قیل از دبستان تا آخرین مرحله تخصص را برای همه افراد همه گروه‌ها بر عهده دارد متأسفانه در حال حاضر در بسیاری از فیلم‌ها و برنامه‌ها حتی برنامه‌های کودکان به وفور رفتار خشونت‌آمیز و کشتار نمایش داده می‌شود که به نظر می‌رسد اصلاحاتی در این خصوص لازم باشد.

ب: پیشنهاد به والدین

- ۱- نظارت صمیمانه و دوستانه والدین بر نحوه استفاده، میزان استفاده و نوع فیلم‌هایی که جوانان به اقتضای شرایط سنی مورد استفاده قرار می‌دهند. جهت پیشگیری از الگوپذیری جوانان از فیلم‌های اکشن؛
- ۲- در برخوردهای روزمره با یکدیگر و سایر اعضاء خانواده ادب و نزاکت را فراموش نکنند و با صبر و حوصله و گفت‌وگو معقول و منطقی مسائل خانواده را حل و فصل و خود از خشونت پرهیز کنند تا الگوی مناسب برای جوانان باشند؛
- ۳- تعامل و ارتباط نزدیک والدین با اولیای مدارس و تقویت بنیه تحصیلی فرزندان در صورت عدم موفقیت تحصیلی از طریق استفاده از کلاس‌های جبرانی و تقویتی؛

۴- حذف تنبیه بدنی، سرزنش، تحقیر، تبعیض و مقایسه کردن به منظور پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه و خشن.

کتابنامه

- ارونسون، الیوت (۱۳۸۴). روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حسین شکرشکن، تهران: رشد.
- اشرف، احمد (۱۳۵۴). شامل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی (مجموعه گفتارهای درسی)، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- امانت، حمید (۱۳۷۳). بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (رشته جامعه‌شناسی) دانشگاه تربیت مدرس.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۷۹). انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ‌های معارض. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بدار لوک، دزیل ژوزه، لامارش لوک (۱۳۸۱). روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- برکوویتز، لئونارد (۱۳۷۲). روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل.
- دورکهایم، امیل (۱۳۶۸). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران: تهران.
- ستوده، هدایت (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
- شیخاوندی، داود (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران. تهران: نشر قطره.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۶۹). روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران: آن.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۳). جامعه‌شناسی کیفری. تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی، سیدرضا، (۱۳۸۱). روانشناسی رشد اخلاقی کودکان ایران.